

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
بخش زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات تطبیقی

---

---

## بدیعه سرایی در پارسی و عربی

---

---

مؤلف:

الهام جدی

استاد راهنما:

دکتر یحیی طالبیان

استاد مشاور:

دکتر ناصر محسنی نیا

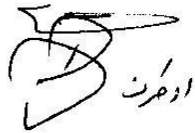
اسفند ماه ۱۳۹۰



این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط درجه کارشناسی ارشد به  
گروه زبان و ادبیات فارسی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچگونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

دانشجو : الهام جدی



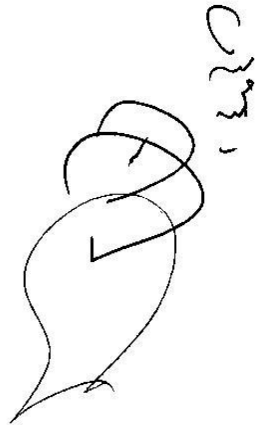
استاد راهنما : دکتر یحیی طالبیان

استاد مشاور : دکتر ناصر محسنی نیا

داور ۱ : دکتر محمدصادق بصیری

داور ۲ : دکتر محمدرضا صرفی

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده : دکتر قاسم عسکری زاده



حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

## تقدیم به:

کسانی که بعد از خداوند تعالی پشتیبانم بودند؛ چون خواستم دست رد بر سینه ام نزدند و چون خواندمشان اجابتم کردند.

کسانی که هر آنچه را که امروز دارم؛ بعد از الطاف خداوندی؛ مرهون زحمات ایشان است.

تقدیم به پدر و مادرم که اسطوره های صبر و گذشتند.

## تشکر و قدردانی:

نخست خدای را شاکر و سپاسگذارم که عنایت خویش را از من دریغ نداشت و مرا در پیمودن مسیر خطیر دانش یاری نمود. دیگر، از تمامی استادان بزرگواری که در طی سالهای متمادی راهنمای من در مسیر فراگیری علم و اخلاق بودند. به ویژه از جناب آقای دکتر یحیی طالبیان که با دیدگاه های سودمند خویش افقی تازه و نو را در سیر مطالعاتم گشودند و با راهنمایی ایشان این اثر به فرجام رسید؛ از جناب آقای دکتر ناصر محسنی نیا که در مکتب ایشان، ادب عرب را بیش از پیش فرا گرفتم و مشاوره این بنده حقیر را در به بار نشستن این پژوهش به عهده داشتند. از جناب آقای دکتر محمد رضا صرفی که از ایشان نکته های بسیار آموختم و همیشه مزاحم اوقات شریفشان بودم؛ از جناب آقای دکتر محمود مدبری که شاگردی در مکتب ایشان برای من افتخار بسیار بزرگی بوده و هست؛ از جناب آقای دکتر محمد صادق بصیری که دلسوزانه به من کمک کردند، از جناب آقای دکتر عنایت الله شریف پور، از جناب آقای دکتر احمد امیری خراسانی و همه اساتید محترم که در طی سالهای متمادی علم و ادب را به من آموختند، صمیمانه سپاسگذارم.

همچنین از خانواده مهربانم که بعد از خداوند بزرگ، پشتیبانم بودند؛ از پدر و مادر دلسوز و برادران مهربانم؛ امیرحسین و محسن؛ که اگر تشویق ها و دلگرمی های ایشان نبود مسیر علمی و زندگی ام به گونه ای دیگر رقم می خورد و همچنین از زن برادر عزیزم کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

## چکیده:

بدیعیات به عنوان فنی نو و بی سابقه در دوره ای از ادبیات دو ملت ایران و عرب پدید آمد. دوره ای که ادبیات و بخصوص شعر در حال حرکت به سمت جمود و انحطاط بود. هرچند که در این دوران با خیل عظیمی از ادبا و دانشمندان برخورد می کنیم که خدمات ارزنده ای به ادب و ادبیات کرده اند؛ اما در حقیقت همان معانی گذشته را شرح و بسط دادند. دوره ای که معانی در زیر لایه های ستبر لفظ پردازی پنهان شده است.

بدیعیات که در زبان عربی بیشتر در مدح پیامبر اکرم «ص» و منقبت ائمه اطهار سروده شده است؛ در زبان فارسی در مدح امرا و سلاطین، به قصایدی اطلاق می شود که بنای هر بیت بر صنعتی استوار باشد و بنا به میل شاعر دارای محور مختلف عروضی است.

پژوهش انجام شده به بررسی بدیعی سرایی در دو ادب فارسی و عربی پرداخته است. برای بررسی این مطلب، ابتدا کتب تاریخ ادبیاتی و بعد کتب بلاغی و بدیعی مورد مطالعه قرار گرفته؛ سپس به تقسیم بندی شاعران صنعت پرداز و ذکر شاعران بدیعی سرا پرداخته شده است. و پیشینه این نوع شعر خوانی را در دو ادب فارسی و عربی مشخص نموده. و در نهایت به بررسی و آوردن مثال هایی در این زمینه روی آورده شده است.

روند بیان مطالب در این مجموعه، به این صورت است که ابتدا مقدمه ای در باب مطلب مورد نظر آورده شده و سپس به بیان مطلب اساس پرداخته شده است. بعد از آن شاعرانی که در این زمینه آثاری داشتند نام برده و شواهد و نمونه هایی برای آن آورده شده است.

بنابر اسناد تاریخی که در کتب تاریخ ادبیات موجود است؛ بدیعی سرایی ابتدا در بین شاعران فارسی زبان شکل میگیرد؛ هرچند که اعراب در زمینه تألیف کتب بدیعی بر ایرانیان مقدم هستند. مبدع این فن در بین فارسی زبانان قوامی مطرزی گنجوی است. و سپس حدود نیم قرن بعد در بین اعراب توسط امین الدین اربلی، برای نخستین بار سروده می شود. این بدیعیات در دو ادب دارای تفاوتی در زمینه بحر عروضی و موضوع شعر هستند.

**واژگان کلیدی:** بدیع، بدیعی سرایی، قوامی مطرزی، امین الدین اربلی.

### فصل اول مقدمه

- ۱-۱- مقدمه ..... ۲
- ۲-۱- بیان مسأله ..... ۳
- ۳-۱- هدف از تحقیق ..... ۴
- ۴-۱- ضرورت تحقیق ..... ۵
- ۵-۱- استفاده کنندگان از نتایج تحقیق ..... ۵
- ۶-۱- سؤالها یا فرضیه های تحقیق ..... ۵
- ۷-۱- پیشینه تحقیق ..... ۶
- ۸-۱- روش تحقیق ..... ۶

### فصل دوم بدیع

- ۱-۲- معنی لغوی بدیع ..... ۹
- ۲-۲- معنی اصطلاحی بدیع ..... ۹
- ۳-۲- نکات استخراج شده تعاریف بدیع ..... ۱۱
- ۴-۲- مختصری در باب بلاغت ..... ۱۲
- ۵-۲- بلاغت در ایران باستان ..... ۱۴
- ۶-۲- بلاغت نزد اعراب ..... ۱۵
- ۷-۲- تقسیم بندی علوم بلاغی ..... ۱۷

۱۸-۸- تاریخچه علم بدیع و واضعان آن در زبان عربی.....

۲۴-۹- تاریخچه بدیع نویسی در زبان فارسی.....

### فصل سوم رویکرد صنایع در شعر شاعران فارسی زبان

۳۵-۱-۳- در آمدی بر ادبیات فارسی.....

۳۹-۲-۳- صنعت در شعر شاعران پارسی زبان.....

### فصل چهارم رویکرد صنایع در شعر شاعران عربی زبان

۷۰-۱-۴- در آمدی بر زبان عربی.....

۷۲-۲-۴- در آمدی بر ادبیات عربی.....

۷۳-۳-۴- رویکرد شاعران دوره جاهلی به صنایع بدیعی.....

۷۶-۴-۴- رویکرد شاعران دوره خلفای راشدین و اموی به صنایع بدیعی.....

۷۹-۵-۴- رویکرد شاعران دوره عباسی به صنایع بدیعی.....

۸۷-۶-۴- رویکرد صنایع بدیعی در شعر شاعران دوره مغول و عثمانی.....

۹۰-۷-۴- رویکرد صنایع بدیعی در شعر شاعران دوران نهضت.....

### فصل پنجم قصاید بدیعیه

۹۳-۱-۵- مقدمه ای در باب قصاید بدیعیه.....

۹۴-۲-۵- تعریف قصیده بدیعیه.....

۹۵-۳-۵- تفاوت بدیعیه سرایی با بدیع نگاری.....

۹۵-۴-۵- تفاوت بدیعیه با ارجوزه های بدیعی.....

۹۶-۵-۵- ویژگی های قصیده بدیعیه.....

۹۷-۶-۵- خلط مبحث در تعریف قصیده بدیعیه عمر فروخ.....



۷-۵- تقسیم بندی قصاید بدیعیه ..... ۹۹

۸-۵- پیشینه بدیعیه سرایی در زبان فارسی ..... ۹۹

۹-۵- بدیعیه سرایان در زبان فارسی ..... ۱۰۵

۱۰-۵- پیشینه بدیعیه سرایی در زبان عربی ..... ۱۲۰

۱۱-۵- بدیعیه سرایان در زبان عربی ..... ۱۲۴

### فصل ششم نتیجه گیری

۱-۶- نتیجه گیری ..... ۱۴۲

منابع ..... ۱۴۸

# فصل اول

## مقدمه

## ۱-۱- مقدمه

ادبیات تطبیقی رشته‌ای از مطالعات ادبی جهان است که حوزه بسیار وسیعی را در ادبیات شامل می‌شود. این رشته در ایران سابقه چندانی ندارد؛ اما در همین مدت اندک توانسته است آثار ارزشمندی را در این زمینه پدید آورد.

از دیرباز ارتباطی بین ادبیات فارسی و عربی وجود داشته؛ و در تعامل با یکدیگر بوده که هر ملت توانسته بر بار فرهنگی خود بیفزاید. از طریق بررسی تطبیقی دو ادب می‌توان به بهبود و ارتقاء ادب ملی خود پرداخت.

آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ فن بدیعه سرایی در دو ادب فارسی و عربی، بصورت کاملاً مجزاست. در انتها بیان خواهد شد که کدام ملت در سرودن این نوع قصاید بر دیگری مقدم بوده است.

دنیای شاعران دنیایی است تصویری و تخیلی؛ آنان برای ابراز احساسات خویش در مقابل اطرافیان‌شان از زبانی بهره می‌گیرند که شاید افراد دیگر از داشتن این طرز بیان محروم باشند. برای اینکه بتوانند از زبان ادبی به نحو بهتری استفاده کنند؛ لازم است که شگرد های زیباسازی کلام را بدانند. شاعر این توانایی را دارد که در برابر حوادث و جلوه های گوناگون و متنوع زندگی از ذوق سرشار و نبوغ و توانایی های اکتسابی خود بهره ببرد و احساسات و عقاید خویش را به طرز مؤثرتر و زیاتر بیان کند. این عوامل تأثیر گذار و زیبا کننده کلام که بوسیله آنها می‌توان سخن آراسته و مؤثر بیان کرد؛ همان محسناتی است که در علم بیان و بدیع مطرح می‌شود.

وجوه بدیعی مانند زیور و آرایشی در چهره کلام، باعث زیبایی سخن می‌شود. اما در اینجا باید متوجه این نکته بود که این زیور بر رخ زیبا، زیبا مینشیند. پس بدیع باید زمانی بکار رود که سخن از لحاظ علم معانی و بیان مشکلی نداشته باشد و کلامی درست و بر مقتضای اصول صحیح باشد. در غیر اینصورت باید به گفته شمس العلمای گرکانی اشاره کرد که صنایع بر سخن نامناسب همچون وسمه بر ابروی کور کشیدن است.

همچنین بررسی بدیع و انواع صنایع بدیعی، جنبه های اعجاز قرآن را به خوبی آشکار می‌کند و پرده ای از اعجازهای بیشمار کلام وحی برمی‌دارد.

بدیعیات که از دل علم بدیع خارج شدند؛ بیانگر قدرت شاعری شاعرانی است که در روزگار جمود و انحطاط، مجموعه ای از انواع بدیعی را برای ما به ارمغان گذاشتند. و در این کار از ذوق هنری خویش برای زیبا سازی این مجموعه کوشیدند. همچنین نمونه های شعری بسیاری برای هر یک از صنایع بدیعی برای ما به یادگار گذاشتند. شاید به عقیده بسیاری از ادبا و علمای حاضر، سرودن چنین قصایدی جز به هدر دادن عمر شریف انسان نتیجه دیگری ندارد. زیرا این قصاید عموماً از داشتن معانی بلند محرومند؛ اما درین باره نمیتوان منکر ذهن خلاق و قدرت بالای سخنوری این عده از شعرا شد.

به هر حال تصویر آفرینی و زیبا سازی شعر از مواردی است که به القای کلام و قبول سخن از جانب خواننده کمک بسیاری می کند. صنایع بدیعی در شعر شاعران، نشان دهنده حس زیبا دوستی انسانهاست. انسان هایی که توسط خالق زیبایی ها آفریده شده اند. انسانی که روحش از روحی زیبا نشأت گرفته است. خدایی که زیباست و زیبایی را تحسین می کند. پس احساس به زیبا گفتن و زیبا شنیدن یک نیاز فطری در وجود انسانهاست.

با خواندن آثاری که معانی بلند را با کسوت زیبایی های سخن به نحو اعجاب برانگیزی در برابر دیدگان ما قرار می دهد؛ روح انسان غرق در شعف و خرسندی می شود.

## ۱-۲- بیان مسأله

هیچ شاعری را نمی توان یافت که از وجوه بدیعی در شعر خود بهره نگرفته نباشد. و اگر هم یافت شود؛ بسیار اندک و انگشت شمار هستند؛ و شاید کلامشان شبیه نظم باشد تا شعر. اگر به تاریخ شعر فارسی نگاهی بیندازیم متوجه این نکته میشویم که حتی شاعران عهد سامانی که هنوز مراحل ابتدایی شعر را سپری می کنند؛ از مقداری از صنایع بدیعی در کلام خود بهره میبرند. حتی در ایران باستان ما می توانیم وجوه بلاغت را در آثارشان ملاحظه کنیم.

در شعر عرب هم به همین صورت است. در اشعار جاهلی و ادبیات این دوره می توان به نمونه هایی از صنایع بدیعی اشاره کرد. و در طول تاریخ بر میزان این صنایع در کلامشان افزودند تا به مرحله ای رسیدند که با استفاده از ذهن خلاق خود، شروع به سرودن قصاید بدیعیه کردند.

بنابراین تعاریف، ما با دو گروه از شاعران مواجه هستیم: شاعرانی که در اشعارشان صنایع بدیعی بصورت کم رنگ و طبیعی و بدیهی است. گروه دوم که در آثارشان آرایه های بدیعی بسیاری وجود دارد.

برای گروه دوم می توان دو گروه شاعر را در نظر گرفت: گروهی که صنایع را در آثارشان بکار بردند تا در شعر خود نو آوری داشته باشند. صنایع در آثار اینها به میزان زیادی وجود دارد؛ اما شعر این شاعران در ضمن داشتن این صنایع، شعری زیبا و دارای معانی خوب است. شعر را صرفاً برای صنعت نسروده اند؛ بلکه هدف اصلی آنها از آوردن صنایع، زیبا سازی بیشتر اشعار و نوآوری در شعر است.

گروه دوم شاعرانی هستند که شعرا برای آوردن صنایع بدیعی سروده اند. و در این کار تعمد داشته اند. هدف آنها خلق شعر به معنای حقیقی کلمه نیست. شعر به کلامی موزون و خیال انگیز گفته می شود که بتواند در خواننده تهییج احساسات کند. کلام این دسته از شعرا بیشتر نظم است. سخنان منظومی که صرفاً از جنبه بدیعی ارزش دارد و خالی از هرگونه احساس و عاطفه ایست. ادبا قصاید بدیعی را جزء این دسته از اشعار قرار داده اند. قصایدی که به منظور جمع آوری مجموعه ای از صنایع شکل گرفته است. البته این هدف در زیر پوشش و حجاب مدح و ستایش پنهان شده است.

شاعرانی که در این زمینه به سخنوری پرداخته اند؛ بیش از هر چیزی به نمایش اقتدار و مهارت خود در شاعری گواهی می دهند. اینان جزء قصیده سرایان بزرگ هر دوره بوده؛ و در زمانی که اختصار گویی ها رواج داشته است، بصورت موجز و مفید مجموعه ای از انواع بدیعی را جمع آوری کرده اند.

برای نمونه می توان به قصاید شاعرانی چون سلمان ساوجی، بدر جاجرمی، سید ذوالفقار شیروانی، قوامی مطرزی و... در زبان فارسی و شاعرانی مانند شیخ صفی الدین حلّی و سیدعلیخان مدنی و ابن جابر انلسی و ابن حجة حموی و... در شعر عربی اشاره کنیم.

### ۳-۱- هدف از تحقیق

مهمترین اهداف تحقیق به شرح زیر است:

نظری بر رویکرد صنایع در شعر شاعران پارسی زبان و آوردن نام شاعرانی که صنایع بدیعی در شعرشان اهمیت چشمگیر داشته است. و یا در باب بازیهای لفظی و بدیعی سرشناس بودند.

آشنایی با بدیعیاتی که در زبان فارسی و عربی سروده شده است.

آشنایی با دوره هایی که سرودن این اشعار در ادب ملت ها شکل گرفته و دوره هایی که این فن شعر گویی به اوج خود رسیده است.

شناخت عوامل و انگیزه هایی که باعث رشد بدیعیه سرایی در برهه ای از تاریخ شده است.

آشنایی با آغازگر این فن شعر سرایی در ادب فارسی و عرب و همچنین آشنایی با قومی که در این کار مقدم بودند.

#### ۴-۱- ضرورت تحقیق

با توجه به این موضوع؛ بدیعیه سرایی در عربی و فارسی؛ به درک و شناخت پیشینه علم بدیع و بدیعیه سرایی می رسیم. ضرورت این تحقیق در جایی احساس می شود که بدانیم افتخار سرودن این نوع قصاید در ابتدا متعلق به کدام ملت است. در ضمن در چنین تحقیقی می توان به شاعران بدیعیه سرا در دو ادب عربی و فارسی، در کنار هم اشاره کرد. همچنین به توانایی و مهارت شاعران قصیده سرا در زمان و شرایط خاص اشاره کرد. و این امکان را برای محققان دیگر فراهم می کند که این راه را ادامه داده و به بررسی و مقایسه قصاید این شاعران با هم بپردازند.

#### ۵-۱- استفاده کنندگان از نتایج تحقیق

این تحقیق به حسب موضوعی که دارد؛ می تواند مورد استفاده اساتید محترم دانشگاه ها و مراکز علمی، دانشجویان و پژوهندگان و محققان ادبیات فارسی و عربی، به خصوص ادبیات تطبیقی ایران و عرب و علاقه مندان قرار گیرد.

#### ۶-۱- سؤالات یا فرضیه های تحقیق

الف) به نظر می رسد که ایرانیان در زمینه سرودن قصاید بدیعیه بر اعراب مقدم بوده اند.

ب) احتمالاً این نوع قصاید برای نشان دادن اقتدار و تفاخر شاعر در برهه زمانی خاصی سروده شده است.

ج) به نظر می‌رسد شاعرانی که از صنایع بدیعی در شعر خود بهره برده‌اند؛ به دو گروه بدیعیه سرا و شاعران متصنعی که شعر بدیعیه در معنای خاص کلمه ندارند؛ قابل تقسیم هستند.

د) احتمالاً این بدیعیات، بسته به اینکه در ستایش امرا و سلاطین باشند یا در مدح پیامبر «ص» و ائمه اطهار؛ در عربی و پارسی با یکدیگر تفاوت دارند.

ه) احتمالاً این قصاید در زمانی شکل می‌گیرند که صنایع بدیعی در شعر شاعران رو به افراط بوده، ظاهر مهمتر از معنا شده؛ و احیاناً ادبیات ملته‌ها رو به انحطاط گذاشته است.

در این تحقیق سعی شده که تا حد امکان به فرضیه‌ای بالا جواب داده شده؛ و مواردی برای اثبات فرضیه‌ها و یا رد آنها گفته شود.

#### ۷-۱- پیشینه تحقیق

در حیطه تحقیقات انجام شده در ایران، تا جایی که این امکان برای بنده فراهم شده است؛ با بررسی در سایت‌های اینترنتی و جستجو در مجله‌های پژوهشی، در مورد بدیعیه سرایی در زبان عربی و فارسی بصورت توأمان بطور تقریباً کامل، اثر مستقلی یافت نشد. تنها در مقدمه‌ای که دکتر کزازی بر کتاب بدایع الأفكار فی صنایع الأشعار به ذکر تعداد محدودی از شاعران فارسی زبان بدیعیه سرا پرداخته‌اند. همچنین در کتاب ارزشمند دکتر حکیمی، به نام ادبیات و تعهد در اسلام به ذکر تعدادی از شاعران عرب زبان در این زمینه پرداخته شده است. اما اثر مستقلی که روند این فن شاعری را در دو ادب بررسی کرده باشد و به ذکر شاعرانی که از صنایع بدیعی در شعر بهره برده باشند؛ یافت نشد.

#### ۸-۱- روش تحقیق

این تحقیق از نوع پژوهش‌های بنیادی و به روش کتابخانه‌ای و سندکاوی تهیه شده است. برای تهیه آن ابتدا به مطالعه کتب تاریخ ادبیات و تذکره پرداخته و ضمن آشنایی با شاعرانی که در اشعار خود، حد قابل توجهی از صنایع بدیعی را بکار برده‌اند، شروع به فیش برداری نمودم. بعد از اتمام فیش برداری از کتب تاریخ ادبیاتی دست اول، به بررسی تاریخ بدیع و بدیعیه سرایی پرداخته؛ و فیش‌هایی را در این زمینه تهیه کردم. همچنین به مطالعه کتب بلاغی در دو ادب فارسی و عربی پرداخته؛ و با بزرگان این علم آشنا شدم.

پس از طبقه بندی و مرتب کردن در فصل های مختلف، یادداشت نمودم. و پس از آن مراحل تایپ و ویرایش آن را انجام دادم.



فصل دوم

بديع

## ۱-۲ معنی لغوی بدیع

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷)

او آفریننده آسمانها و زمین است و چون اراده آفرینش چیزی را بکند، به محض آنکه گوید موجود باش، به فور موجود میشود.

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَهُ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انعام: ۱۰۱)

اوست پدید آورنده آسمان و زمین و چگونه وی را فرزندی تواند بود، در صورتیکه او را جفتی نیست و او همه چیز را آفریده و به همه امور عالم داناست.

شروع کارها با یاد خداست و آوردن سخنش در ابتدای کلام بهترین سرآغاز است. چه بهتر اینکه دو آیه ای که در بالا ذکر شد و زینت بخش متن ما شد، ارتباط مستقیمی با موضوع این پایان نامه دارد. در این فصل سعی خواهد شد بطور اختصار درباره لفظ بدیع و معنای اختصاصی و تاریخی آن توضیحاتی داده شود.

بدیع از ریشه بدع به معنی ایجاد کرد، آغاز کرد میباشد. بدیع به معنی نو آورنده، نو آورده شده و نو به کار گرفته شده است. در دو آیه ای که در بالا ذکر شد بدیع به معنی نو آورنده و از اسامی خاص خداست. در این بیت خاقانی بدیع به معنی نو، تازه و شگفت آمده:

«طرز غریب من است نقش خرد را طراز

شعر بدیع من است شرع سخن را شعار»

(صادقیان، ۱۳۷۹: ۳)

## ۲-۲- معنی اصطلاحی بدیع

برای روشنتر شدن معنی لغوی و اصطلاحی بدیع، جای دارد که ابتدا چند تعریف از بدیع آورده شود. «من أسماء الله الحسنى و كلمة بدیع فی معنی اسم المفعول یكون منها مخترع أو مبتدع وهی من مصطلحات علم البلاغه و تدلُّ علی صور الکلام و أجناسه و من ثم کان علی البدیع فرعاً من علوم البلاغه...» (دایر المعارف اسلامی، المجلد ثالث)

«البديع لغة فعيل من البدع بالكسر و هو الذي يكون أولاً من كل شئ و هو يُرد بمعنى مُفعل: اسم فاعل و بمعنى مُفعل: اسم مفعول. و من الأوّل اسمه تعالى البديع، الذي فطر الخلق مبتدعا، لا على مثال سبق...» (مدنی،: ۲۹).

«بديع واژه ایست عربی به معنی نو و نوآورنده و در اصطلاح علم صرف عربی، به معنی اسم فاعل و اسم مفعول است؛ یعنی هم به معنی نوآورنده و هم نوآورده شده به کار رفته شده... و در اصطلاح علم بلاغت، به دانشی گفته میشود که در آن بحث میشود از ویژگی هایی که سبب آرایش و زیبایی سخن میشود. و بر لطف و رونق آن می افزاید.» (صادقیان، ۱۳۷۹: ۳).

«بديع در لغت به معنی نو آورده شده، نوآورنده و تازه و زیبا و آراسته است. و در اصطلاح اهل فن، علم آرایش و تزئین گفتار است. در کلام بلیغ به کار میرود و از راه هایی که موجب زیبایی نظم و نثر است. با رعایت بلاغت آن بحث میشود.» (نشاط، ۱۳۴۲: ۱۳).

«کلمه بديع از ماده بدع الشئ یبدعه بدعا میباشد؛ یعنی ایجاد کرد، آغاز کرد و کلمه بديع و بدع: الشئ الذي يكون أولاً، یعنی چیز تازه، کاری که قبلاً نظیر نداشته است. ... و البديع: من اسماء الله تعالى لا بداعه الأشياء و أحداثه ایها. و نیز وقتی میگویند: ابداع الشاعر: یعنی شاعر شعر نوی آورده، خوب شعر گفت، بی نظیر شعر ساخت.» (علوی مقدم، ۱۳۷۲: ۴۱۷).

و در نهایت جای دارد تعریف سیوطی در مقدمه الفیه ای که در معانی و بیان و بديع سروده، به عنوان حسن ختام تعاریف بیاوریم.

«علمُ البديع ما به قد عرفنا      وجوهُ تحسینِ الكلام إن وفا  
مطابقاً و قصدهُ جلی      و منه لفظی و معنوی» (صادقیان، ۱۳۷۹: ۶).

دلیل آوردن این تعریف ها علاوه بر شناختن معنی لغوی کلمه بديع این بود، که یادآوری کنیم، افراد زیادی درباره این علم و توابع آن تحقیق کرده، و نتایج بسیار خوبی گرفته اند. هدف بنده فقط گرد آوردن چند سخن به عنوان نمونه و نشان دادن تلاش این بزرگان بود.

## ۲-۳- نکات استخراج شده از تعاریف بدیع

چیزی که در تمام این نقل قول ها دیده میشود، در ابتدا معنی لغوی این کلمه است که در بالا ذکر شد. و در اصطلاح همانطور که در تعاریف آمده بود، علم آرایش سخن است، بعد از رعایت اصول دیگر بلاغت؛ یعنی معانی و بیان؛ به عبارت دیگر استفاده از صنعت های کلام، تا آنجا جایز است که کلام به مقتضای حال و مقام گفته شده باشد و در آن ابهام و تعقیدی وجود نداشته باشد. و اگر نه باید سخن شمس العلمای گرکانی را در این مورد پذیرفت که:

« بدیع در لغت تازه و نو باشد و از لطایف لغت عرب آن است که معنی واحد را در مورد مختلفه به الفاظ مختلفه ادا کنند. ... و گاه به معنی مبدع و از اسماء حسنی باشد. ... و در اصطلاح اهل ادب و بلاغت عبارت از محسنات و صنایعی است که نظم و نثر بلیغ را بدان آریند. پس بلاغت شرط حسن آن باشد و اگر نه چون طوق و یاره زرین بر گدای عور است یا وسمه بر ابروی کور.» (گرکانی، ۱۳۷۷: ۲۳).

نکته دیگر اینکه اندازه این صنایع باید مناسب باشد. اگر صنعت پردازی در کلام زیادتر از حد طبیعی باشد، نه تنها ارزش و زیبایی خاصی به اثر نمی بخشد، که موجبات فساد و تباهی زبان را فراهم میکند؛ به عبارت دیگر سخنی زیباست که ما در آن چاشنی صنعت را ببینیم و شایسته است که در اینجا از سخن عبدالحسین زرین کوب استفاده کنم که:

« صنایع بدیعی مثل ادویه طعام است، اگر به اندازه باشد غذا را خوشمزه میکنند و اگر زیاده شود، تندش میکنند و نا مطبوع.» (زرین کوب، ۲۵۳۶: ۷۳). در کلامی که بیش از حد صنایع به کار گرفته شده باشد دیگر صداقت خالق اثر را نمیتوان دید. چنین اثری نه تنها تأثیری مطلوب در خواننده ندارد، که موجبات ملالت را ایجاد میکند. نباید ذهن گوینده تنها درگیر آوردن این صنایع باشد و خود را از آوردن معانی بکر و عالی محروم سازد. به عبارت دیگر معنا نباید فدای لفظ شود. « ابن سنان خفاجی نویسنده کتاب سرالفصاحه صنایع بدیعی را به خال در چهره معشوق مانند نموده که اندک آن بر زیبایی چهره وی می افزاید ولی هر گاه مقدار آن فزونی گیرد چهره را بد نما و زشت می سازد. همچنین می گوید سفیدی پیشانی اسب به اندازه معینی مطلوب است و اگر از حد خود تجاوز کند دیگر آن زیبایی خاص را نخواهد داشت.» (صادقیان، ۱۳۷۹: ۷).